



Showing Surprise in Persian Language Based on Combination of Lexical and Corpus Approach

Hasan Khotan Lou¹, Seyedeh Sareh Sadeghi², Mohammad Rasekh Mahand³

1. Associate Professor, Department of Computer Engineering, Faculty of Engineering, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: hkh@basu.ac.ir
2. Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Language and Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: sarehsadeghi36@yahoo.com
3. Professor, Department of Linguistics, Faculty of Language and Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: rasekh@basu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 08 May 2021

Received in revised form:

02 August 2021

Accepted: 15 August 2021

Available online: 22 June 2022

Keywords:

surprise,
Cognitive linguistics,
Lexical approach,
Corpus approach,
Emotional scheme,
conceptual metaphor.

Lack of specialized studies in the field of feeling of surprise compared to other feelings directed the present study to examine the schema and concept of feeling of surprise in Persian from the perspective of cognitive linguistics. Objectives include drawing a surprise scheme for the Persian language and examining the productivity of source domains for this feeling. The emotion schema shows the specific structure of the feeling of surprise in Persian and the way it is displayed. In order to draw the schema, a lexical approach is used and the keywords of the feeling of surprise and the interpretations that existed in the metaphorical culture of Abolhassan Najafi, were examined. Then, based on Kovecses' hypothesis, the metaphorical source domains and their frequencies were determined based on corpus approach. The results showed that in the schema of feeling surprise, due to lack of control and activity, the feeling of surprise is somewhat different from other feelings. The body domain has many uses for showing the feeling of surprise, and also the tendency for immobility and stillness is evident in most cases of surprise.

Cite this article: Khotan Lou, H., Sadeghi, S. S. Rasekh Mahand, M. (2022). Showing Surprise in Persian Language Based on Combination of Lexical and Corpus Approach. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (2), 1-17.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2021.6462.1545



چگونگی نمایش احساس تعجب در زبان فارسی؛ براساس روش ترکیبی واژگانی و

پیکره‌مدار

حسن ختن‌لو^۱، سیده ساره صادقی^۲، محمد راسخ‌مهند^۳

۱. دانشیار، گروه مهندسی کامپیوتر، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. رایانامه: hkh@basu.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. رایانامه: sarehsadeghi36@yahoo.com
۳. استاد گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. رایانامه: rasekh@basu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نبرد مطالعات تخصصی در زمینه احساس تعجب به نسبت دیگر احساس‌ها سبب شده تا پژوهش حاضر به بررسی طرح‌واره و مفهوم احساس تعجب در زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی و پیکره‌ای پردازد. از جمله اهداف تعیین شده برای نوشتار پیش رو، ترسیم طرح‌واره احساس تعجب برای زبان فارسی و بررسی میزان زایایی حوزه‌های مبدأ این احساس است. طرح‌واره احساس نشان می‌دهد که احساس تعجب در زبان فارسی چه ساختاری دارد و چگونه نمایش داده می‌شود. به منظور ترسیم طرح‌واره از رویکرد واژگانی استفاده و واژه‌های کلیدی احساس تعجب و تعبیرهای فرهنگ استعاری ابوالحسن نجفی بررسی شده است. مطالعه حوزه‌های مبدأ نیز با کمک رویکرد پیکره‌بنیاد براساس دسته‌بندی کوچش از حوزه‌های مبدأ احساس صورت گرفته است و میزان زایایی تعابیر تعجبی واکاوی شده است. نتایج به دست آمده نشان از آن داشت که در طرح‌واره احساس تعجب، به‌علاوه بخش‌های کنترل و بخش فعالیت، احساس تعجب با دیگر احساس‌ها تا حدودی تفاوت دارد؛ همچنین حوزه «بدن» برای نمایش احساس تعجب کاربرد فراوانی دارد و تمایل به بی‌حرکتی و سکون در بیشتر موارد مرتبط با تعجب به‌روشنی به چشم می‌خورد.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ بازنگری: ۱۱ مرداد ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۴ مرداد ۱۴۰۰

دسترسی آنلاین: ۱ تیر ۱۴۰۱

واژه‌های کلیدی:

احساس تعجب،

زبان‌شناسی شناختی،

رویکرد واژگانی،

طرح‌واره احساس،

رویکرد پیکره‌مدار،

استعاره مفهومی.

استناد: ختن‌لو، حسن؛ صادقی، سیده ساره؛ راسخ‌مهند، محمد (۱۴۰۱). چگونگی نمایش احساس تعجب در زبان فارسی؛ براساس روش ترکیبی واژگانی و پیکره‌مدار. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۰ (۲)، ۱-۱۷.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2021.6462.1545

۱- مقدمه

مطالعه رابطه عبارات‌های گفته شده به‌هنگام احساس‌های مختلف نشان می‌دهد که این عبارات به‌طور تصادفی پدید نیامده‌اند و باید نوعی ارتباط نظام‌مند بین آن‌ها وجود داشته باشد. در دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، زبان ابزار مطالعاتی خوبی است که سبب می‌شود محتوا و ساختار مفهومی ذهن نمایش بیشتر شناخته شود. به‌علت مطالعات کمی که در زمینه احساس تعجب انجام شده است، پژوهش حاضر به مطالعه جامعی از احساس تعجب از دیدگاهی شناختی براساس نظریه استعاره مفهومی می‌پردازد. مطالعه طرح‌واره احساس تعجب که از چه قسمت‌هایی تشکیل شده است و طرح‌واره آن برای زبان فارسی چگونه است، یکی از مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش مورد بحث است؛ همچنین در زمینه نگاشت‌هایی که در حوزه مفهومی استعاره احساس مطالعاتی انجام می‌شود که بیشتر چه حوزه‌های مبدایی را پوشش می‌دهند و علت آن نیز چه است.

کوچش (۲۰۱۵) احساس تعجب را براساس رویکرد واژگانی بررسی کرده است و همین امر سبب شد تا در پژوهش حاضر، احساس تعجب براساس دو رویکرد واژگانی و پیکره‌بنیاد به‌صورت تکمیل‌کننده یکدیگر بررسی شود. کوچش^۱ (۲۰۱۵) درمورد رویکرد واژگانی می‌گوید که در این رویکرد، ابتدا به بررسی کلمات و عبارات‌های استعاری مرتبط با موضوع مورد مطالعه پرداخته و سعی می‌شود با استفاده از فرهنگ‌نامه‌ها و پیکره‌های موجود، روابط معنایی این کلمات همچون مترادف، متضاد، شمول معنایی و... با دیگر کلمات بررسی شود.

در ادامه کوچش (۲۰۱۳) سطح فرافردی را سطحی می‌داند که اصطلاحات قراردادی شده، خارج از بافت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در کنار سطح فرافردی، سطح فردی^۲ قرار دارد که عبارات‌های مورد استفاده افراد را در سطح بافت زبانی و پیکره بررسی می‌کند. دو سطح فرافردی و سطح فردی می‌توانند نقش مکمل یکدیگر را ایفا کنند به همین دلیل در نوشتار پیش رو از دو رویکرد واژگانی و پیکره‌مدار استفاده شد. در رویکرد واژگانی نیز به دلیل آنکه موارد انتخابی مورد مطالعه به‌طور قریب از فرهنگ‌نامه‌ها انتخاب شده است، به بسامد کلمات و میزان زایایی آن‌ها توجه نمی‌شود، مگر آنکه میزان بسامد و زایایی این موارد به‌طور مجزا در پیکره‌های زبان مورد مطالعه قرار بگیرد. به همین جهت رویکردی پیکره‌مدار به‌منزله کار تکمیلی در پژوهش حاضر استفاده شده است.

1. Z. Kövecses

2. Individual Level

بدین ترتیب در نوشتار پیش رو به پرسش‌های ذیل پاسخ داده می‌شود: طرح‌واره مطرح‌شده کوچش به‌صورت تخصصی برای احساس تعجب به‌وسیله فارسی‌زبانان، به چه صورت نمایش داده می‌شود و به چه علت بخش‌های کنترل و انجام واکنش، درون طرح‌واره احساس تعجب وجود ندارد؟ در بخش دوم نیز به بررسی حوزه‌های معنایی مرتبط با تعبیر تعجبی پرداخته می‌شود تا مشخص گردد که در این‌گونه از احساس چه حوزه‌مبدای بیشترین بسامد را دارد و سبب آن چیست.

۲- مبانی نظری

در زبان‌شناسی شناختی لیکاف^۱ و کوچش (۱۹۸۷)، کلمه طرح‌واره را برای مفهوم‌هایی استفاده می‌کنند که با تجربه شناختی ما حاصل شده است. بدین معنا که انسان می‌کوشد با استفاده از تجربیات و شناختی که از محیط پیرامون خود دارد، درمورد مفاهیم ذهنی خویش صحبت کند و آن‌ها را به حالت ملموس‌تری تبدیل نماید. طرح‌واره کلی احساس به‌صورت مجموعه‌ای از عوامل است که در شرایط مناسب سبب بروز احساس در فرد می‌شود. احساس ایجادشده از سویی تأثیراتی روحی و فیزیکی بر فرد دارد و از دیگرسو نیز فرد برای لحظاتی ممکن است کنترل خود را از دست بدهد و در ادامه بخواهد بنا به ملاحظات فردی و اجتماعی، خود را کنترل کند و اقداماتی انجام دهد. لیکاف و کوچش (۱۹۸۷) طرح‌واره مطرح‌شده برای احساس خشم را این‌گونه نمایش می‌دهند:

مرحله نخست: رویداد ناراحت‌کننده

در این مرحله رویدادی وجود دارد که فردی یا عاملی به‌طور خواسته یا ناخواسته، سبب ایجاد احساس خشم می‌شود.

مرحله دوم: احساس خشم و اثرات جانبی

در این مرحله ممکن است عصبانیت فرد به‌صورت طیفی از کم به زیاد وجود داشته باشد و هرچه این احساس شدت یابد، سبب بروز اثرات جانبی فیزیولوژیکی همچون افزایش دمای بدن، افزایش ضربان قلب و... می‌شود. با افزایش شدت احساس ایجادشده، فرد ممکن است بخواهد نسبت به عامل به‌وجودآورنده احساس، واکنش‌هایی انجام دهد.

مرحله سوم: کنترل کردن

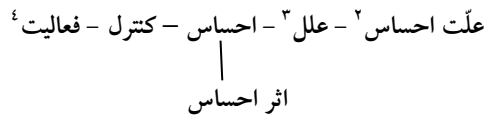
در این مرحله فرد می‌کوشد تا به‌دلایل مختلف احساس‌های خویش را کنترل کند و به روشی خشم

خود را مهار سازد.

مرحله چهارم: ازدست‌دادن کنترل

در این مرحله بدان پرداخته می‌شود که هر انسانی در برخورد با مسائل روزانه، آستانه تحمل خاصی دارد و وقتی فشار روحی وارد شده به فرد از حد تحمل آستانه‌اش بالاتر می‌رود، کنترل خویش را ازدست می‌دهد و اقداماتی را انجام می‌دهد.

بدین ترتیب براساس آنچه در بیشتر پژوهش‌های انجام‌گرفته همچون لیکاف و کوچش (۱۹۸۷) کوچش (۲۰۰۰) و سوریانو^۱ (۲۰۰۵) و مطالعات بعدی کوچش طرح‌واره کلی از احساس ترسیم می‌کنند که در ادامه نمایش داده شده است:



در ادامه تالمی^۵ (۱۹۸۸) در حوزه زبان‌شناسی طرح‌واره، نیرویی ارائه می‌دهد که براساس آن، دو نیرو وجود دارد که هریک می‌کوشد بر دیگری نیرویی وارد کند و اثرات خود را بر آن بگذارد و دیگری تلاش می‌کند تا در برابر این نیرو مقاومت کند. نتیجه این تعامل نیروها به صورت واکنش یا مقاومت و عدم واکنش به نیروی وارد شده است.

کوچش (۲۰۰۰) با استفاده از طرح‌واره نیرو، احساس‌ها را به شکل نیروهایی مفهوم‌سازی می‌کند که واکنش‌ها یا تأثیرات جانبی خاصی را به همراه دارد؛ سپس با استفاده از طرح‌واره نیرو^۶ لئونارد تالمی (۱۹۸۸) که احساس را نیرو فرض می‌کند، نظام مفهومی احساس را ساختاردهی می‌کند و طرح‌واره نیرو را بر احساس نگاشت می‌کند. وی همورد را هستاری می‌داند که به بی‌اثری و تحت تأثیر قرار نگرفتن تمایل دارد. همورد را نیز هستاری می‌داند که نیرویی را بر همورد وارد می‌کند و می‌خواهد بر آن اثرگذاری کند. بدین ترتیب همورد خودمنطقی^۷ در نظر گرفته شده و همورد نیز علت احساس در نظر گرفته می‌شود.

1. C. Soriano
2. Cause of Emotion
3. Causes
4. Action
5. L. Talmy
6. Force scheme
7. Rational self

کوچش (۲۰۰۳) به‌مثابه یکی از افرادی که بیشترین مطالعه را در زمینه احساس و مفاهیم به‌کاربرده‌شده برای نمایش احساس داشته است، بیان می‌کند که انسان به‌طور عمده احساس خود را با استفاده از کلمات احساسی کلیدی همچون «خشم»، «شادی»، «حیرت» و تعابیر استعاری همچون «در ابرها پرواز کردن»، «زبان بندرفتن» و «شاخ‌درآوردن» نمایش می‌دهد. بدین ترتیب آنچه در پژوهش حاضر بررسی می‌شود، تعابیر استعاری و کلمات به‌کاررفته برای احساس تعجب هستند. مطالعات انجام‌شده در زمینه مفاهیم استعاری نشان می‌دهد که این تعابیر تنها مربوط به زبان ادبی نیست و همین سبب بروز نظریه استعاره مفهومی به‌وسیله لیکاف و جانسون^۱ (۲۰۰۸) شد که در آن استعاره به‌منزله ابزاری زبان و تفکری برای بیان جهان خارج به‌شمار می‌رفت. کوچش (۲۰۱۰) بیان می‌کند که در این دیدگاه استعاره به‌مثابه بخشی از نظام زبانی و تفکری ما مطالعه می‌شود. وی (۲۰۰۰) بر این باور است که در استعاره مفهومی، استعاره به‌صورت ویژگی از مفاهیم در نظر گرفته می‌شود که این به آموزش خاصی نیاز ندارند و هر فردی در زندگی محیط این تجارب را کسب می‌کند و آن‌ها را به‌طور ناخودآگاه به‌کار می‌برد.

لیکاف و جانسون (۲۰۰۸) نیز استعاره را سازوکاری شناختی تعریف می‌کنند که در آن حوزه تجربی به‌صورتی نسبی بر حوزه تجربی دیگر نگاشت می‌شود. درحقیقت استعاره‌های مفهومی، دو حوزه را برحسب برخی ویژگی‌های مشترکی که دارند به‌هم مرتبط می‌کنند. به‌طور معمول یکی از حوزه‌ها به نسبت دیگری عینی‌تر است که به‌منزله حوزه مبدأ^۲ شناخته می‌شود. حوزه دیگر که انتزاعی‌تر است و نگاشت روی آن صورت می‌گیرد، حوزه مقصد^۳ نامیده می‌شود. ارتباط بین دو حوزه با عنوان نگاشت^۴ مطرح می‌شود و نشان می‌دهد که کدام عنصر هر حوزه با عنصر حوزه دیگر شباهت‌هایی برای ارتباط دارد. این ارتباط به‌دلیل فهم بهتر و آسان‌تر افراد از مفاهیم انتزاعی صورت می‌پذیرد. به‌طور نمونه اگر به استعاره‌های مفهومی عشق توجه شود، مواردی مشاهده می‌شود که عشق به‌مثابه سفر است. سفر به‌منزله حوزه مبدأ در نگاشتی سازمان‌یافته نمایان‌گر حوزه مقصد عشق است. کوچش (۲۰۱۰) بیان می‌کند که این نگاشت سازمان‌یافته براساس رابطه تناظر^۵ برقرار شده است. تناظر بیان‌شده به‌قرار زیر است:

● عشاق با هم سفرها متناظر هستند.

1. M. Johnson
2. Source domain
3. Target domain
4. Mapping
5. Correspondence

• هدف‌های مشترک با مقصد مشترک هم‌سفرها متناظر است.

• مشکلات رابطه با موانع سفر متناظر است

•

کوچش (۲۰۰۳) در مطالعات خود بیان می‌کند که ساخت‌های استعاری دارای حوزه‌های مبدأ و مقصد هستند که به‌وسیله نگراشت به یکدیگر متصل شده‌اند. وی برای حوزه مبدأ نیز به‌طور کلی سیزده مورد برای مفاهیم ذهنی معرفی می‌کند. این قلمروهای تعریف‌شده به‌وسیله کوچش که بسیاری از پژوهش‌ها می‌کوشند تا حوزه‌های خود را با آن بسنجند، مواردی همچون «اعضای بدن»، «سلامتی و بیماری»، «جانوران»، «گیاهان»، «ساختمان‌ها»، «ابزار و ماشین‌آلات»، «ورزش و بازی‌ها»، «پول و معاملات اقتصادی»، «آشپزی و غذا»، «گرما و سرما»، «تاریکی و روشنایی»، «نیروها» و «حرکت‌ها و جهت‌ها» است. بدین ترتیب نحوه نگراشتی که در زمینه احساس تعجب انجام می‌شود، از جمله موارد مورد بحث در پژوهش حاضر است. مشخص کردن استعاره‌های ادبی مرتبط با احساس تعجب و حوزه‌های مبدأ و مقصد و چگونگی ارتباط این دو حوزه در بخشی مجزا بررسی می‌شود.

۳- روش پژوهش

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، ترسیم طرح‌واره احساس تعجب برای زبان فارسی و بررسی نگراشت‌های تعبیری تعجیبی از جمله اهداف تعیین‌شده برای نوشتار پیش رو است. بدین ترتیب در ابتدا چکیده کلی از آنچه در پژوهش حاضر انجام می‌گیرد، ترسیم شده است.

به‌منظور مطالعه ساختار و مفاهیم مورد مطالعه و ترسیم طرح‌واره احساس تعجب، در ابتدا باید داده‌های مناسب پژوهش تهیه شود. بدین ترتیب ابتدا بدان پرداخته می‌شود که برای پاسخ‌گویی به هر دو پرسش مطرح‌شده به چه نوع داده‌هایی نیاز است. همان‌گونه که در بخش پیشین گفته شد، واژه‌های کلیدی، تعبیر استعاری از مهم‌ترین داده‌های مورد مطالعه هستند. در ادامه به این پرداخته می‌شود که این نوع داده‌ها به چه صورت تهیه و با چه هدف تخصصی پردازش می‌شوند.

نیاز به پاسخ‌گویی به ترسیم طرح‌واره احساس تعجب سبب استفاده از رویکرد واژگانی^۱ می‌گردد. توجه به تعبیر اصطلاحاتی و کلماتی که مرتبط با احساس تعجب است، ما را به پاسخ پرسش مطرح‌شده می‌رساند. برحسب رویکرد واژگانی، ابتدا کلمات و عبارت‌های استعاری مرتبط با موضوع مورد مطالعه بررسی می‌شود. امیری و دیگران (۲۰۱۵) برای زبان فارسی پیکره‌ای فهرست‌وار از کلمات

کلیدی با نام پیکره Persian lookup table تهیه کرده‌اند. پیکره نام‌برده شده شامل فهرستی از (۲۹۴۷) واژه برچسب‌خورده احساسی است. در ادامه با استفاده از کلمه‌های موجود در پیکره، فهرستی از ده واژه کلیدی شناخته‌شده مرتبط با احساس تعجب مشخص شد.

از امتیازهای این روش می‌توان به این نکته اشاره کرد که چون کلمات مورد بررسی از فرهنگ‌نامه‌ها انتخاب شده‌اند، بیشتر مواردی بررسی می‌شوند که از نظر عمومی پذیرفته‌شده و در اذهان مردم نقش روشن و شفاف را نسبت به موضوع مورد مطالعه دارند؛ برای نمونه واژه‌هایی همچون «تعجب»، «حیرت» و «ماتش بردن» یا تعابیری مانند «داشت شاخ درمی‌آورد»، «از تعجب چشم‌هاش گرد شده بود»، «انگاری برق گرفته بودش» به صورت قراردادی درآمده‌اند و بیشتر مردم این تعابیر را به‌مثابه مفاهیم تعجبی به کار می‌برند. بخش مرتبط با تعابیر تعجبی از بخش نخست کار با استفاده از فرهنگ اصطلاحات عامیانه نجفی (۱۳۸۷) به دست آمد.

این فرهنگ‌نامه شامل اصطلاحات جامع عامیانه فارسی از متون مختلف ادبیات داستانی زبان فارسی است که هر یک از اصطلاحات زبان فارسی را به شیوه فرهنگ‌نویسی به‌طور دقیق بررسی کرده است. بدین ترتیب (۶۷) مدخل که به‌طور مستقیم به بیان اصطلاح‌های تعجبی پرداخته بود، برای مطالعه احساس تعجب انتخاب شد؛ برای نمونه «عقل کسی مات ماندن»: «والله عقل آدم از این همه دارایی مات می‌ماند (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۳۱۳) یا مفهوم استعاری «شاخ درآوردن»: «من اگر چیزهایی را که از انگلیسی‌ها دیدم برایتان تعریف کنم شاخ درمی‌آورید (نجفی، ۱۳۸۷: ۹۴۶) از نمونه موارد مورد بررسی است.

در ادامه به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش دوم که چه حوزه‌های معنایی در زمینه تعابیر تعجبی به کار برده می‌شود، از رویکرد پیکره‌مدار استفاده شد. با توجه به هدف مورد بررسی و امکانات موجود در زبان فارسی در زمینه شناسایی استعاره، کلمات درون استعاره بررسی شد. روش کار در این بخش بدین صورت است که در ابتدا حوزه‌های معنایی تعابیر تعجبی مشخص می‌شود و سپس با استفاده از برنامه AntConc میزان زایایی هر یک از این حوزه‌ها در پیکره بی‌جن‌خان (۱۳۸۳) تعیین می‌گردد. این پیکره مجموعه‌ای است از متون فارسی شامل بیش از دومیلیون و ششصد هزار کلمه است و شامل برچسب موضوعی چون سیاسی، تاریخی، تخیلی و دیگر موارد برای متون است. در نهایت (۳۴۰۰) جمله از پیکره بی‌جن‌خان به‌منظور مطالعه احساس تعجب تهیه شد.

این جملات تعجبی برگرفته از پیکره احساسی از همه احساس‌ها است که در طول یک سال با خواندن تمامی اسناد پیکره بی‌جن‌خان به‌صورت دستی به‌وسیله دو زبان‌شناس تهیه شده است. در

بخش پایانی روش پژوهش، چکیده‌ای از توضیحات مرتبط با داده‌ها داده شده است. بدین ترتیب، به‌طور دقیق در جدول زیر انتخاب نوع داده و اینکه در کجا این داده‌ها بررسی شده‌اند، نمایش داده شده است.

جدول (۱). توضیحاتی در مورد نوع داده به‌کاررفته برای هر بخش

دادگان	انتخاب نوع داده از چه بخشی صورت گرفته است؟	مطالعات رویکرد واژگانی در چه منبعی به مطالعه بررسی مفاهیم به‌کاررفته پرداخته است؟	مطالعات رویکرد پیکره‌بنیان در چه منبعی به میزان زایایی پرداخته است؟
کلمات کلیدی	پیکره Persian lookup table	فرهنگ معین و سایر فرهنگ‌ها	پیکره بی‌جن خان
مفاهیم استعاری	کتاب فرهنگ اصطلاحات ابوالحسن نجفی (۱۳۸۷)	پیکره بی‌جن خان	پیکره بی‌جن خان

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در ابتدای این بخش سعی بر آن است به این پرداخته شود که در زبان فارسی احساس تعجب چگونه نمایش داده می‌شود. در بخش دوم نیز با استفاده از رویکرد پیکره‌بنیان، حوزه‌های معنایی نگاشت‌های احساس تعجب بررسی می‌گردد تا مشخص شود که کدام حوزه معنایی بیشترین بسامد را دارد. مطالعه ساختار مفهومی کلمات تعجبی، بررسی جنبه‌های روانی و فیزیکی مرتبط با احساس تعجب و نگاشت‌های موجود در تعابیر استعاره‌های تعجب از جمله موارد مطالعاتی این بخش است. بدین ترتیب فهرستی از کلمات کلیدی تعجب براساس زایایی‌شان مشخص شد تا بتوان ترسیم دقیق‌تری از طرح‌واره داشت و به پرسش‌های مطرح‌شده کوچش در زمینه زبان فارسی پاسخ گفت.

۴-۱- چگونگی نمایش احساس تعجب در زبان فارسی براساس رویکرد واژگانی

رویکرد واژگانی مورد استفاده در پژوهش حاضر به‌منظور فرضیه‌سازی است و براساس آن می‌کوشد تا با استفاده از طرح‌واره کوچش که در ادامه نمایش داده شده است، طرح‌واره مرتبط با احساس تعجب ترسیم شود.

علت احساس - عِلل - احساس - کنترل - فعالیت
 |
 اثر احساس

براساس آنچه در بخش مروری بر پیشینه‌ها درباره طرح‌واره گفته شد، هنگام ترسیم طرح‌واره بر کلمات کلیدی، تعابیر استعاری بررسی می‌شود؛ اثرات فیزیکی و روانی عامل به‌وجودآورنده احساس

تعجب است که به صورت ناگهانی چه اثری دارد و منجر به چه واکنشی در فرد می‌شود.

۴-۱-۱- کلمات کلیدی

اولین اقدامی که به منظور ترسیم طرح‌واره کلمات تعجبی انجام می‌شود آن است که مشخص گردد چه کلماتی جزو سرنمون‌های این احساس هستند. بدین منظور میزان فراوانی کلمات سرنمون در پیکره احساسی با (۳۴۴۴) جمله تعجبی از پیکره بی‌جن‌خان بررسی می‌شود. در نهایت با استفاده از پیکره Persian lookup table فهرستی مختصر از (۱۰) کلمه کلیدی به منظور مطالعه انتخاب شد که در جدول (۲) نمایش داده شده است. این کلمات براساس داوری انسانی دو فرد انتخاب شده و کلمات احساسی مرتبط با احساس تعجب که سرنمون هستند، شناسایی شده است.

جدول (۲). عبارات پرکاربرد به‌هنگام احساس تعجب

کلمات سرنمون	مبهوت	تعجب	حیرت	هاج‌وواج	مات	شوکه	شگفت‌انگیز	گیج	ناباوری	ناگهان
بسامد	۳۷۷	۲۱۰۰	۳۷۰	۸۰	۱۸۳	۳۰	۱۸۴	۷۸	۲۶۳	۹۴

جدول (۲) چگونگی توزیع چندین کلمه کلیدی شاخص زبان فارسی که نسبت به بقیه کلمات میزان زایایی بیشتری داشته‌اند، نمایش داده شده است. به کلمات مترادف و هم‌خانواده کلمات به‌هنگام بسامدگیری کلمات توجه شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که از نظر کاربرد و فراوانی کلمه «تعجب» بیشترین استفاده را برای نمایش احساس تعجب داشته است. همان‌گونه که اطلاعات درون جدول (۲) نشان می‌دهد؛ از جمله کلمات سرنمون احساس تعجب که کاربردش به میزان قابل‌توجهی با دیگر کلمات مرتبط با احساس فرق دارد، خود کلمه «تعجب» است. بدین ترتیب لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۷) کلمه «تعجب» را بدین‌گونه معنی کرده است:

تعجب:

• [ت ع ج ج]: شگفت‌داشتن. به‌شگفت آمدن. در شگفت‌افتادن.

• شگفتی. حیرت.

در فرهنگ معین کلمه «تعجب» را نیز این‌گونه تعریف کرده‌اند: (ت ع ج ج) [ع.ع] (مص ل). به‌شگفت آمدن. فرهنگ عمید نیز کلمه تعجب را این‌گونه تعریف کرده است که معانی همچون به‌شگفت آمدن، شگفت‌داشتن، شگفتی نمودن را دارد. هنگامی که به کاربرد این دسته از کلمات در زبان توجه می‌شود، مشخص می‌گردد که احساس تعجب می‌تواند به دو صورت برداشت شود. در دیدگاه نخست بدین صورت است که عاملی سبب به‌وجودآمدن این احساس شده است و احساس تعجب

به معنای نتیجه یک عامل دیده می‌شود؛ برای نمونه در جمله «از کار او متعجب شده بود» کار به صورت عاملی ناگهانی و ناخواسته و خلاف انتظار فرد بوده و همین امر سبب بروز احساس تعجب شده است. در دیدگاه دوم احساس تعجب به مثابه عاملی در نظر گرفته می‌شود که اثرات مرتبط با خود را دارد. برای نمونه در جمله «با تعجب من را هاج و واج نگاه می‌کرد» احساس تعجب سبب اثری روانی و فیزیکی شده است که فرد متعجب با فرورفتن در حیرت به گونه‌ای خاص به فرد مقابلش نگاه کند و به طور احتمالی از نظر روانی نیز قادر به تمرکز کافی نیست. فقدان بخش‌های کنترل و فعالیت دیده می‌شود:

علت احساس - علق - احساس
 |
 اثر احساس

۴-۱-۲- تعابیر استعاری

فرایند استعاری به کاررفته برای احساس تعجب نیز بدین گونه است که فردی متعجب به صورت غیر مترقبه‌ای تحت تأثیر فرد یا حادثه‌ای ویران‌کننده قرار گرفته است. کوچش (۲۰۱۵) نگاهی از استعاره احساس تعجب را بدین صورت تعریف می‌کند که در ابتدا عاملی فیزیکی/ روانی به صورت غیر مترقبه بر فردی تأثیری گذاشته که سبب بروز احساس تعجب شده و واکنش‌های فیزیکی/ روانی برجای خواهد گذاشت. برای نمونه در جمله «بیا برویم تا آثار ماقبل تاریخی از تک را بهت نشان بدهم تا شاخ دریابوری»، نگاشت نوشته شده را می‌توان چنین نشان داد که طرح‌واره احساس برای زبان فارسی به چه صورت است؟

فردی که آثار ماقبل تاریخی را تماشا می‌کند ← فردی که احساس تعجب را تجربه می‌کند
 دیدن و عظمت و شکوه آثار ماقبل تاریخی ← عامل فیزیکی به وجود آوردن احساس تعجب
 احساس شاخ درآوردن ← اثر جانبی احساس تعجب
 مشاهده عظمت آثار تاریخی که فرد انتظارش را ندارد ← غیر مترقبه بودن عامل به وجود آورنده تعجب
 براساس مطالب گفته شده، تعجب در طرح‌واره بدین صورت ترسیم می‌شود. همان‌گونه که مشاهده خواهید کرد در طرح‌واره تعجب، بخش‌های کنترل و فعالیت دیده نمی‌شود:

دیدن آثار ماقبل تاریخی که دارای شکوه و عظمت است و فرد انتظار دیدن آن را ندارد (علل احساس)

در درون فرد احساس تعجب را ایجاد کرده (احساس ایجاد شده)



اثرات جانبی روانی/ فیزیولوژیکی همچون شاخ درآوردن را به فرد القا می‌کند (اثر جانبی)

اگر این نگاشت را بر تمامی تعابیر استعاری مرتبط با احساس تعجب رسم کنیم، به ساختاری مشابه نگاشت بالا خواهیم رسید که چگونگی نمایش احساس تعجب را در زبان فارسی نشان می‌دهد. بررسی بخش واکنش‌های فیزیکی / روانی فرد متعجب در نگاشت بالا در ادامه نشان خواهد داد که به‌طور معمول واکنش خاصی در این بخش صورت نخواهد گرفت و فرد به بی‌حرکتی و حالت بهت فرورفتن تمایل دارد. به‌هنگام بیان اثرات فیزیکی و روانی مثال‌هایی از کتاب فرهنگ اصطلاحات ابوالحسن نجفی (۱۳۸۷) در زمینه فهم بیشتر مطالب بیان شده است.

۱. اثرات فیزیکی

- چشم‌های کسی گرد شدن: نشان از تعجب بسیار کردن: «وافور را جلو دخترک گرفت. دخترک فوت کرد و دو نفس پی‌درپی بالا کشید. من و بهروز چشم‌هامان گرد شد و با تعجب نگاهش کردیم.»

۲. اثرات روانی

- مغز کسی داغ شدن: دچار بهت‌زدگی شدید و درد روحی شدیدی حس کردن ناشی از آن، آه از نهاد کسی درآمدن: «معلوم شد که بابت همین ترجمه، او پانصد یا هزار تن کاغذ را در مجلس سنا از گمرک معاف کرده است؛ که حتی من مغزم داغ شد.»

برخی از حالات ایجادشده را می‌توان به‌صورت ترکیبی از هر دو اثر تعریف‌شده در نظر گرفت؛ برای نمونه هنگامی که فردی از حالت تعجب ایجادشده توان صحبت کردن ندارد، بدین‌صورت است که حال روانی وی مساعد نیست و بر حالت روحی خود تمرکز ندارد که نمی‌تواند واکنشی فیزیکی نشان دهد. در مجموع آنچه از مطالعات رویکرد واژگانی حاصل شد، آن است که در طرح‌واره کلی احساس تعجب، تنها قسمت ابتدایی وجود دارد و بخش‌های کنترل و انجام واکنش وجود ندارد و همین موضوع سبب تفاوت این احساس با دیگر احساس‌های شادی، خشم و... می‌شود.

۴-۲- مطالعه حوزه‌های مبدأ احساس تعجب براساس رویکرد پیکره‌بنیان

یکی از ویژگی‌هایی که فولن^۱ (۲۰۱۲) در مورد احساس‌ها از دیدگاه شناختی بررسی می‌کند، بحث انتزاعی بودن احساس است که با استفاده از تعابیر استعاری بیان می‌شوند. بدین ترتیب با استفاده از اصطلاحات فرهنگ عامیانه (۱۳۸۷) ابتدا تعابیر استعاری مرتبط با احساس تعجب به‌صورت دستی شناسایی شد؛ سپس با رویکردی پیکره‌مدار با استفاده از کلمات کلیدی درون استعاره به میزان بسامد و

زایایی این دسته از ساختارها پرداخته شد تا مشخص گردد چه تعابیری بیشتر در این زمینه به کار برده می‌شوند. کوچش (۲۰۰۳) برای حوزه مقصد نیز به‌طور کلی سیزده حوزه را برای مفاهیم ذهنی معرفی می‌کند که مبنای مطالعات حوزه معنایی قرار گرفته است. این قلمروهای تعریف‌شده به‌وسیله کوچش عبارت‌اند از: «اعضای بدن»، «سلامتی و بیماری»، «جانوران»، «گیاهان»، «ساختمان‌ها»، «ابزار و ماشین‌آلات»، «ورزش و بازی‌ها»، «پول و معاملات اقتصادی»، «آشپزی و غذا»، «گرما و سرما»، «تاریکی و روشنایی»، «نیروها»، «حرکت‌ها و جهت‌ها».

۴-۲-۱- تعجب به‌صورت اجزای بدن است.

در مواردی همچون «چشمان گردشده» و «دهان بازمانده» با استفاده از اجزای بدن انسان تعجب نمایش داده می‌شود.

جدول (۳). تعجب بدن است

نگاشت استعاری	گرایش نیروی همورد	گرایش نیروی هموارد	اثرات جانبی
مبدأ	اجزای بدن در تلاش برای حفظ وضعیت طبیعی خود است.	عامل تعجب می‌خواهد روی شکل طبیعی بدن (شیء) تغییراتی ایجاد کند.	چهره فرد تغییر می‌کند.
مقصد	خود منطقی در تلاش برای حفظ وضعیت پیشین خویش است.	تعجب می‌خواهد بر خود منطقی چیره شود.	تعجب فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴-۲-۲- تعجب بیماری است.

مواردی همچون «زبان بندرفتن» و «شوکه‌شدن» نیز خارج‌شدن از حالت طبیعی و بیماری را نشان می‌شود.

جدول (۴). تعجب بیماری است

نگاشت استعاری	گرایش نیروی همورد	گرایش نیروی هموارد	اثرات جانبی
مبدأ	شخص سالم در تلاش برای سالم ماندن است.	بیماری می‌خواهد فرد را دچار بیماری کند.	مریض شدن
مقصد	خود منطقی فرد در تلاش برای تحت تأثیر قرار نگرفتن است.	تعجب می‌خواهد خود منطقی را دچار احساس تعجب کند.	تعجب فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴-۲-۳- تعجب حیوان است.

شاخ‌درآوردن در جمله «از دیدن من شاخ درآورده بود» از ویژگی‌های حیوانات است.

جدول (۵). تعجب حیوان است

نگاشت استعاری	گرایش نیروی همورد	گرایش نیروی هموارد	اثرات جانبی
مبدأ	جاندار	حیوان	تغییرات فیزیکی حیوان
	در تلاش برای حفظ روال سابق و نداشتن شاخ است.	در تلاش برای رخداد شرایط جدید است.	
مقصد	خود منطقی	تعجب	تعجب فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
	در تلاش برای جلوگیری از مبتلا شدن به احساس تعجب است.	می‌خواهد فرد را به احساس تعجب مبتلا کند.	

۴-۲-۴- تعجب گیاه است

«از تعجب درجایش خشکش زده بود و فقط زلزل حسین را نگاه می‌کرد.» حالت تعجب درون فرد به‌صورت گیاهی خشک‌شده نمایش داده شده است.

جدول (۶). تعجب گیاه است

نگاشت استعاری	گرایش نیروی همورد	گرایش نیروی هموارد	اثرات جانبی
مبدأ	جاندار	گیاه	خشک‌شدن گیاه
	در تلاش برای رشد طبیعی است.	در تلاش برای خشک‌شدن گیاه است.	
مقصد	خود منطقی	تعجب	تعجب فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
	در تلاش برای جلوگیری از مبتلا شدن به احساس تعجب است.	می‌خواهد فرد را به احساس تعجب مبتلا کند.	

۴-۲-۵- تعجب ابزار و ماشین‌آلات است

مواردی همچون «مغزش هنگ کرده بود» یا «کله کسی سوت کشیدن» را نیز می‌توان از جمله مواردی دانست که به حوزه ابزار و ماشین‌آلات مرتبط است.

جدول (۷). تعجب ماشین‌آلات است

نگاشت استعاری	گرایش نیروی همورد	گرایش نیروی هموارد	اثرات جانبی
مبدأ	شیء	خرابی ابزار و ماشین‌آلات	خراب‌شدن ابزار
	در تلاش برای درست کارکردن دستگاه است.	در تلاش برای خراب‌شدن دستگاه است.	
مقصد	خود منطقی	تعجب	تعجب فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
	در تلاش برای جلوگیری از مبتلا شدن به احساس تعجب است	می‌خواهد فرد را به احساس تعجب مبتلا کند.	

۴-۲-۶- تعجب گرما است.

مواردی همچون «انگار آب داغ روی سرش ریخته بودند» یا «مغزش داغ کردن» نیز بر روی حوزه گرمایی منطبق هستند.

جدول (۸). تعجب گرما است

نگاشت استعاری	گرایش نیروی همورد	گرایش نیروی هموارد	اثرات جانبی
مبدأ	دما	گرما	افزایش دما
	در تلاش برای جلوگیری از ورود موج گرما و حفظ دمای طبیعی است.	در تلاش برای ورود افزایش دمای ناگهانی است.	
مقصد	خود منطقی	تعجب	تعجب فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
	در تلاش برای جلوگیری از مبتلا شدن به احساس تعجب است.	می‌خواهد فرد را به احساس تعجب مبتلا کند.	

۴-۲-۷- تعجب نیرو است.

- نیروی ماورالطبیعی

در مواردی همچون «به عقل جن هم نمی‌رسید که او این کار را کرده باشد» و «ناگهان شاهد از غیب رسید و کار ما درست شد» به صورت نیرویی ماوراءالطبیعی به خوبی نشان داده شده است.

جدول (۹). تعجب نیروی ماوراءالطبیعی است

نگاشت استعاری	گرایش نیروی همورد	گرایش نیروی هموارد	اثرات جانبی
مبدأ	نیرو	نیروی ماورالطبیعی	رخداد امور غیر طبیعی
	در تلاش برای رخداد امور طبیعی	انجام امور غیر طبیعی و فارغ از انتظار	
مقصد	خود منطقی	تعجب	تعجب فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
	در تلاش برای جلوگیری از مبتلا شدن به احساس تعجب است.	می‌خواهد فرد را به احساس تعجب مبتلا کند.	

- جریان الکتریسیته

مواردی همچون «با دیدن من برق گرفتش»، «فیوز پراندن» نیز از دسته مواردی است که احساس تعجب را به صورت جریان الکتریسیته نشان داده است.

جدول (۱۰). تعجب جریان الکتریسته است

نگاشت استعاری	گرایش نیروی همورد	گرایش نیروی همورد	اثرات جانبی
مبدأ	نیروی طبیعی در تلاش برای حفظ نیروی طبیعی خویش و مقاومت در برابر نیروی زیاد	جریان الکتریسته می‌خواهد جریان برق زیادی را وارد کند.	دچار جریان الکتریسته شدن
مقصد	خود منطقی در تلاش برای جلوگیری از مبتلاشدن به احساس تعجب است	تعجب می‌خواهد فرد را به احساس تعجب مبتلا کند.	تعجب فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- حرکت و جهت

در نمایش احساس تعجب تمایل به بی‌حرکتی و سکون دیده می‌شود. عبارت‌هایی همچون «خشکش زده بود» و «برجای خود می‌خکوب شدن» نمونه مواردی از این دست هستند.

جدول (۱۱). تعجب حرکت و جهت است

نگاشت استعاری	گرایش نیروی همورد	گرایش نیروی همورد	اثرات جانبی
مبدأ	حرکت طبیعی در تلاش برای انجام فعالیت به روال عادی	سکون و بی‌حرکتی جلوگیری از انجام کار به روال طبیعی و به حالت بی‌حرکتی درآوردن	ساکن ماندن و عدم فعالیت فرد
مقصد	خود منطقی در تلاش برای جلوگیری از مبتلاشدن به احساس تعجب است	تعجب می‌خواهد فرد را به احساس تعجب مبتلا کند.	تعجب فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ادامه پژوهش با استفاده از کلمات کلیدی درون تعابیر استعاری و برنامه AntConc تعابیر استعاری مرتبط با احساس تعجب در پیکره بی‌جن‌خان بررسی شد تا میزان زایایی این حوزه‌ها بررسی گردد؛ همچنین مشخص شد که چه حوزه‌هایی در این زمینه برای نشان‌دادن احساس تعجب بیشتر به‌کار می‌روند.

جدول (۱۲). بررسی میزان فراوانی کاربرد هر حوزه مبدأ بر جملات تعجبی

حوزه مبدأ	اجزای بدن	گیاهان	نیروها	ابزار و ماشین‌آلات	حیوان	سلامتی و بیماری	گرما
بسامد	۸۷۰	۳۰۰	۱۷۵	۱۱۰	۱۰۰	۲۱۵	۵۵

آنچه در جدول (۱۲) نمایش داده می‌شود نشان می‌دهد که حوزه مبدأ «بدن» بیشترین کاربرد را برای

نمایش تعجب دارد. در این حوزه نیز در بیشتر موارد از چشم و دهان برای نشان‌دادن تعجب استفاده شده است؛ همچنین در بخش حرکت و جهت به دلیل آنکه در اکثر مواقع فرد متعجب ساکن و بی حرکت است این حوزه در دیگر حوزه‌ها همچون حوزه گیاه که در آن که «فرد خشکش می‌زند» یا در حوزه نیروها که برای نمونه «فرد را برق می‌گیرد» نیز دیده می‌شود. حالاتی همچون «دهان باز مانده»، «چشمان گشادشده» نیز در ذهن نوعی از حالت سکون را تداعی می‌کند. مطالعه تعابیر احساسی تعجب نشان می‌دهد که به‌هنگام تعجب، فرد واکنش فیزیکی خاصی همچون واکنش فیزیکی خاصی که سایر احساس‌ها نشان می‌دهند، مثل «فرار کردن»، «جنگیدن»، «رقصیدن»، «گریه کردن» و دیگر موارد را نشان نمی‌دهد و در طرح‌واره کلی احساس تنها بخش ابتدایی که بر عامل احساس است و اثرات جانبی‌ای که وجود دارد صحبت می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر احساس تعجب از دید شناختی به‌مثابه مقوله شناختی بررسی شد. بدین منظور از دو رویکرد واژگانی و پیکره‌مدار به‌منزله روش‌های مطالعاتی استفاده گردید. از دید رویکرد واژگانی به تحلیل بخش‌های ساختاری کلمات کلیدی و تعابیر استعاری این احساس پرداخته شد و طرح‌واره مرتبط با این احساس طراحی گردید. طرح‌واره به‌طور مختصر بدین صورت شرح داده می‌شود که در ابتدا عاملی فیزیکی/ روانی به‌صورت غیر مترقبه بر فردی تأثیری گذاشته که سبب بروز احساس تعجب می‌شود. در این گونه از احساس، کمتر واکنش‌های فیزیکی/ روانی خاص همچون دیگر احساس‌ها مشاهده خواهد شد؛ همچنین از نتایج به‌دست آمده می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد که احساس تعجب همچون دیگر احساس‌ها واکنش و فعالیت خاصی ندارد و بیشتر فرد مورد نظر در حالت بهت و سکون به‌سر می‌برد و همچون دیگر احساس‌ها به‌سمت بالا و پایین حرکتی ندارد. بیشتر این واکنش‌ها ذهنی و کمتر رفتاری هستند. در بخش دوم پژوهش نگاشت‌های صورت گرفته در استعاره‌های مفهومی تعجیبی بررسی شد. با استفاده از روش پیکره‌بنیاد، حوزه‌های معنایی مشخص‌شده کوچ (۲۰۰۰)، حوزه‌های مبدائی که برای این احساس به‌کار برده می‌شوند، تعیین گردید و میزان زایایی هر حوزه بر پیکره بی‌جن‌خان مشخص شد. در نهایت مشخص شد که در زبان فارسی برای نمایش احساس تعجب حوزه «بدن» از بین حوزه‌های مطرح‌شده، بسیار پرکاربردتر است.

منابع

بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۳). نقش پیکره‌های زبانی در نوشتن دستور زبان: معرفی یک نرم‌افزار رایانه‌ای. مجله

زبان‌شناسی، ۱۹ (۲)، ۶۷-۴۸.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی عامیانه*. چاپ دوم. تهران: نیلوفر.

References

- Amiri, F., S. Scerri & M. H. Khodashahi (2015). Lexicon-based sentiment analysis for Persian Text. *Proceedings of the International Conference Recent Advances in Natural Language Processing*.
- Bijankhan, M. (2004). The role of language corpus in grammar writing, introduction of a computer software. *Linguistic journal*, 19 (2), 48-67 (in Persian).
- Dehkhoda, A. (1998). *Dehkhoda's Lexicon*, Tehran: Tehran University (in Persian).
- Foolen, A. (2012). The relevance of emotion for language and linguistics. *Moving ourselves, moving others: Motion and emotion in intersubjectivity, consciousness and language*, 349-369.
- Kovecses, Z. (2000). *Metaphor and Emotion: Culture, Language, and Body in Human Feeling*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Kovecses, Z. (2003). *Metaphor and emotion: Language, culture, and body in human feeling*, Cambridge University Press.
- Kovecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford University Press.
- Kovecses, Z. (2013). The metaphor–metonymy relationship: Correlation metaphors are based on metonymy, *Metaphor and Symbol*. 28 (2), 75-88.
- Kovecses, Z. (2015). Surprise as a conceptual category, *Review of Cognitive Linguistics. Published under the auspices of the Spanish Cognitive Linguistics Association*. 13 (2), 270-290.
- Lakoff, G. & Z. Kövecses (1987). The cognitive model of anger inherent in American English., *Cultural models in language and thought*, 195-221.
- Lakoff, G. & M. Johnson (2008). *Metaphors we live by*. University of Chicago press.
- Najafi, A. (2008). *Persian Folk Culture*. Second edition. Tehran: Niloufar (in Persian).
- Soriano, C. (2005). *The Conceptualization of Anger in English and Spanish: a cognitive approach*. Unpublished doctoral dissertation. University of Murcia, Murcia, Spain.
- Talmy, L. (1988). Force Dynamics in Language and Cognition. *Cognitive Science* 12, 49-100.

